



دانشگاه الزهراء (س)
دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی

عنوان
نقش دلکان در سیاست دوره قاجار

استاد راهنما
دکتر سیمین فصیحی

دانشجو
نرگس آزموده

اسفند ۹۱





دانشگاه الزهراء (س)
دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی

عنوان
نقش دلقکان در سیاست دوره قاجار

استاد راهنما
دکتر سیمین فصیحی

استاد مشاور
دکتر محمدمیر شیخ نوری

دانشجو
نرگس آزموده

اسفند ۹۱

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به دانشگاه
الزهراء می باشد.

چکیده

این پژوهش به نقش دلک در دربار قاجار که شاهش سایه خدا بر زمین محسوب می شد و در تملقات و توصیفات دربار جایگاه فرا زمینی و فرابشری داشت می پردازد. با اتکاء به منابع اصلی و بر مبنای پایگاه اجتماعی دلکان و عملکرد آنها در یک محیط وابسته به سلسله مراتب که می بایست دائماً برای حفظ زندگی خویش یک تعادل ظریف و خطرناک را حفظ کند ، داده ها طبقه بندی شده و سپس با یک رویکرد تاریخی در بستر استبداد آن زمان وظایف و نقش آنها مورد تحلیل قرار گرفته و نشان داده شده که دلکان با بهره گیری از توانایی ذاتیشان در بذله گوئی و شیرین زبانی با انتقاد از شاه و درباریان و انجام ماموریت هایی چون جاسوسی ، تحقیر درباریان ، شرکت در توطئه های دربار و غیره ابزاری در جهت تحکیم قدرت شاه قاجار بودند . هر چند در این رهگذر انتقادهای آنها که موجبات اصلاح امور را فراهم می آورد ، کم نبود.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه

فصل اول: مبانی پژوهش

- ۱-۱- مساله پژوهش ۱
- ۲-۱- پرسش های پژوهش ۳
- ۳-۱- فرضیات پژوهش ۳
- ۴-۱- واژگان پژوهش ۳
- ۵-۱- پیشینه پژوهش ۳
- ۶-۱- معرفی گزیده منابع ۴

فصل دوم: نگاهی کلی به تاریخچه دلک از آغاز تا عصر قاجار

- ۱-۲- دلکان از آغاز تا سقوط ساسانیان 8
- ۲-۲- دلکان از ورود اسلام تا دربار سامانیان و غزنویان 11
- ۳-۲- دلکان در دربار سامانیان و غزنویان 12
- ۴-۲- دلکان در دربار سلجوقیان 15
- ۵-۲- دلکان از سقوط سلجوقیان تا دربار صفویان 15
- ۶-۲- دلکان در دربار صفویان 16
- ۱-۶-۲- کربلایی عنایت 17
- ۲-۶-۲- دلاله قزی 20
- ۳-۶-۲- سگ لوند 21
- ۷-۲- دلکان در دربار زندیه 22

فصل سوم: قاجارها از آغاز تا انقراض

- ۱-۳- اصل و نسب قاجارها 24
- ۲-۳- آقا محمد شاه قاجار 27
- ۱-۲-۳- دلکان در دربار آقا محمد شاه قاجار 32
- ۳-۳- فتحعلی شاه قاجار 33
- ۱-۳-۳- دلکان در دربار فتحعلی شاه قاجار 39
- ۴-۳- محمد شاه قاجار 39
- ۱-۴-۳- دلکان در دربار محمد شاه قاجار 42
- ۵-۳- ناصرالدین شاه قاجار 42
- ۱-۵-۳- دلکان در دربار ناصرالدین شاه قاجار 49

50 مظفرالدین شاه قاجار	۳-۶
52 دلکان در دربار مظفرالدین شاه قاجار	۳-۶-۱
52 محمد علی شاه قاجار	۳-۷
54 دلکان در دربار محمد علی شاه قاجار	۳-۷-۱
54 احمد شاه قاجار	۳-۸
55 دلکان در دربار احمد شاه قاجار	۳-۸-۱

فصل چهارم: نقش دلکان در سیاست دوره قاجار

58 دلکان در دربار قاجار	۴-۱
58 لوتی صالح	۴-۱-۱
59 حبیب دیوانه	۴-۱-۲
60 کریم شیره ای	۴-۱-۳
62 اسماعیل بزاز	۴-۱-۴
63 شیخ شیپور	۴-۱-۵
65 حاجی کربلایی	۴-۱-۶
66 شیخ کرنا	۴-۱-۷
67 سید بورانی	۴-۱-۸
67 زکی خان	۴-۱-۹
68 نقش دلکان در سیاست دوره قاجار	۴-۲
68 اولین نقش دلک	۴-۲-۱
71 دومین نقش دلک	۴-۲-۲
77 سومین نقش دلک	۴-۲-۳
77 دلک در مجالس و میهمانی های خصوصی دربار	۴-۲-۳-۱
78 دلک در جشنها و مراسم رسمی دربار	۴-۲-۳-۲
80 نمایش بقال بازی	۴-۲-۲-۱
۱۱۰ نتیجه گیری	
۱۱۲ منابع و مآخذ	

دلقکان گروهی از مردم عادی بودند که در ابتدا به عنوان عضوی از یک گروه برگزار کننده نمایش با اجراهای شاد در مناسبت های مختلف اوقات خوش و فرح بخشی را برای مردم رقم می زدند.

آنچه که آنها را با اجرای این نمایش ها نزد عامه مردم محبوب ساخت از گفتار و رفتار انتقادی آنها نسبت به طبقه حاکم مایه می گرفت زیرا در جامعه استبداد زده ای که طبقه حاکم جایگاه و شان قدسی برای خود در نظر گرفته بود و حاضر به هم سخنی با زیردستان نبود، مردم آنها را زبان خود در بیان دردها و مشکلات جامعه می پنداشتند. بعدها آنها به واسطه ی توانایی ذاتی شان در بذله گویی و شیرین سخنی از یک سو و نیاز شاه و درباریان به تفریح و تنوع در فضای خفه کننده و کسل کننده دربار با آن همه سلسله مراتب و عناوین جدی از سویی دیگر، وارد دربار ها شدند.

آنها در دربار قاجار به جهت افزایش حضورشان و صمیمیت با شاه و کسب منصب ترخانی از قدرت و نفوذ فوق العاده ای برخوردار شدند. آنها در دربار علاوه بر سرگرم کردن شاه وی را از نواقص حکومت و تصمیماتی که ایجاد نارضایتی عمیق و گسترده در بین مردم می کرد آگاه می کردند.

در حقیقت آنها به مثابه پلی بین نظرات مردم عادی و شاه عمل می کردند. اما ناگفته نماند که شاه قاجار به خوبی نقش دلقک در دربار را دریافته بود و از او با انجام ماموریت هایی چون جاسوسی، شرکت در توطئه های دربار، تحقیر شأن و شخصیت درباریان قدرتمند و برخی خواص در جهت تحکیم قدرت حاکمیتش استفاده نمود.

اصلی ترین اهمیت این پژوهش در بکر بودن موضوع آن است. تاکنون هیچ کوشش در این زمینه انجام نگرفته است. برای رسیدن به نتیجه مطلوب در این پژوهش نگارنده چهار فصل را تنظیم کرده است:

فصل اول به مبانی پژوهش اختصاص دارد ؛ مسئله، پرسش ها، فرضیات و نقد پیشینه و معرفی گردیده منابع است.

فصل دوم: با نگاهی کلی به تاریخچه حضور دلکک در دربارها از گذشته تا دوره قاجار می پردازد.

فصل سوم: با نگاهی کلی به تاریخ قاجار به معرفی شاهان این سلسله و حضور دلکک در دربار آنها می پردازد.

فصل چهارم: که مهمترین فصل این پژوهش است ابتدا به معرفی دلککان برجسته و موثر دربار قاجار پرداخته است. در ادامه نیز نقش آنها را در سیاست این خاندان تحلیل شده است. صفحات پایانی پژوهش نیز به نتیجه گیری و مآخذ و ضمایم اختصاص دارد.

این پژوهش با دشواری هایی روبه رو بوده است. متأسفانه با وجود وابستگی دلککان درباری به کانون قدرت و همچنین حضور مستمرشان در دربار هیچ منبعی که به طور مستقل و یا جسته و گریخته به آنها پرداخته باشد در دست نیست. از سویی دیگر نثری که به حضور دلککان در دربار اشاره دارد نثری رمان گونه و فاقد ارزش علمی است.

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱- مساله پژوهش:

حکومت ایران در دوره ی قاجار یک حکومت استبدادی بود که بر طبق سلسله مراتب قدرت از بالا به پایین و به شکل هرم ترسیم می شد. مشخصه ی مهم وضعیت سیاسی این دوران در راس امور قرار گرفتن شاه و ظل الله و قبله ی عالم بودن اوست. او مالک جان و مال و ناموس مردم و همه چیز آنان بود. دیگر فراموش شده بود که او یک انسان عادی است و در هاله ای از قداست قرار گرفته بود. حتی طرز رفتار و گفتار نزدیک ترین افراد به او نیز ابراز اطاعتی بنده وار و ستایشی تملق آمیز بود. در این محیط کسی نبود که به شاه حقیقت را باز گوید و یا با اندرزی بی غرضانه شاه را متوجه امور کند. زیرا هر چه شاه مستبدتر بود از کانال هایی که می شد حقایق را به او رساند، دورتر می شد تا جایی که به نقطه ای می رسید که دیگر با واقعیت ارتباط پیدا نمی کرد. در این رهگذر یکی از موثرترین ابزارهای که می شد به وسیله ی آن حقیقت را به شاه گفت شوخی جلوه دادن آن موضوع بود. این روش حداقل حربه ای بود که با آن واقعیت گفته می شد. دلکان یکی از ابزارهای بودند که از طریق شوخی شاه و درباریان را از حقایق امور آگاه می کردند.

حضور دلک ها در جامعه و نفوذ آنان به دربار و نقش هایی که می پذیرفتند در تاریخ ما سابقه ای طولانی دارد. دلکان افرادی بودند از مردم عادی که با مهارت هایی چون بازیگری، نوازندگی و شعبده بازی و با به کار بردن الفاظ و کلماتی که یک نوع بذله گویی در آن نهفته بود بخشی از دنیای سرگرمی مردم محسوب می شدند. آنان در مسخره بازی و لودگی هایشان علاوه بر سرگرم کردن مردم، ابزاری برای انعکاس دردها و مشکلات آنها نیز به شمار می آمدند. در جامعه استبداد زده ای که طبقه مسلط حاضر به هم سخنی با زیردستان و شنیدن صدای آنان نبود، دلکان با تظاهر به دیوانگی و بلاهت می توانستند این مرزها را بشکنند و وسیله ای برای انتباه افکار عمومی و هیات حاکمه گردند. مهارت آنان در بذله گویی و شوخی از یک سو و

تمایل شاهان و درباریان برای تفریح و سرگرمی و فراغت از مشکلات و بحران های جامعه از سوی دیگر، پای آنان را به دربار باز کرد و بدین ترتیب جزو اجزای دربار قرار گرفتند.

دلکان در دربار علاوه بر بدیهه گوئی و شیرین سخنی به انتقاد هم می پرداختند که برای این کار می بایست به خوبی بر روحیات و حالات پادشاه و درباریان واقف باشند و تمام تغییرات روحی و اخلاقی و حالات مختلف آنها را درک کنند تا بتوانند خود را از خطراتی که ناشی از تحولات روحی آنها بود دور نگه دارند. بنابراین آنها نمی توانستند افراد عادی باشند زیرا کار آنها نیاز به تیزهوشی و موقعیت سنجی خاص خود را داشت.

دلکان در دوره ی قاجار به دلیل نزدیکی به شخص شاه و افزایش حضورشان در دربار از قدرت و نفوذ زیادی برخوردار شدند. به همین خاطر آنها به شاه وابسته بودند و شاه نیز به آنها اطمینان داشت و از آنها علاوه بر سرگرمی با انجام اموری چون جاسوسی، شرکت در توطئه های دربار، گوشمالی درباریان و غیره به عنوان ابزاری در جهت تحکیم استبداد خود استفاده می کرد. علاوه بر این دلکان از راه های مختلف از جمله اجرای نمایش با عناوین گوناگون به انتقادهای سیاسی و اجتماعی هم دست زدند. در واقع دلکان در دوره ی قاجار نقش چندگانه ای را ایفا می کردند. اینکه دلکان چه کسانی بودند و از چه طبقه ی اجتماعی برخاستند و چه وظایفی را بر عهده داشتند و چه رابطه ای با شاه و دربار برقرار کردند از جمله اهداف اصلی این پژوهش است تا از این طریق به شناسایی و تحلیل نقش چندگانه دلکان در سیاست دوره ی قاجار بپردازد.

۱-۲- پرسش های پژوهش:

۱- دلکان چه نقشی در دربار دوره ی قاجار داشتند؟

۲- دلکان چه نقشی در امور سیاسی عصر قاجار داشتند؟

۱-۳- فرضیات پژوهش:

۱- دلکان به دلیل نزدیکی با شاه و درباریان در جایگاهی خارج از سلسله مراتب دربار قرار می

گرفتند و همین امر نشان از اهمیت ویژه موقعیت آنان در دربار داشت.

۲- دلکان در امور سیاسی دوره ی قاجار نقشی دوگانه ایفا کردند، از یک سو منتقد امور

سیاسی شدند و از دیگر سو، با ارتباط ویژه با شاه و نظارت بر عملکرد درباریان در تحکیم اقتدار

شاه موثر بودند.

۱-۴- واژگان پژوهش

دلک، قاجار

۱-۵- پیشینه پژوهش

در رابطه با نقش دلکان درباری در سیاست قاجار جز مقاله خانم *ونسا مارتین* با عنوان "نقش

دلکان در دربار ناصر الدین شاه" به زبان انگلیسی پژوهش دیگری انجام نشده است. در این

مقاله خانم به معرفی و بررسی دلکان برجسته و مشهور دوره ی ناصرالدین شاه می پردازد و

در این رهگذر روابط بین شاه و درباریان را مورد ارزیابی قرار می دهد.

۱-۶- معرفی گزیده منابع

تاریخ عضدی تالیف احمد میرزا، عضدالدوله، پسر فتحعلی شاه قاجار است. وی زمانی که حاکم همدان بود، به خواهش محمدحسن خان اعتمادالسلطنه به نوشتن تاریخ عضدی مبادرت ورزید. نویسنده در ضمن شرح وقایع پشت پرده و مطالب خصوصی سه پادشاه نخستین دوره ی قاجار، از دلک دربار آقا محمدخان قاجار نام می برد و شرح مختصری بر احوال او می نویسد. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه (۱۳۱۳-۱۲۵۶ه.ق) از رجال دربار عهد ناصری است. او در دارالفنون به تحصیل پرداخت و در سال ۱۲۶۸ ه.ق عنوان وکیل نظام به خود گرفت. در سال ۱۲۷۵ به رتبه سرهنگی نایل آمد. در سال ۱۲۸۰ ه.ق با سمت نماینده نظامی ایران در فرانسه به ایران مراجعت کرد و به سمت مترجم حضوری دربار تعیین شد. در سال ۱۲۸۷ ه.ق اداره امور روزنامه رسمی و سپس ریاست دارالترجمه به او واگذار شد و صنیع الدوله لقب یافت. وی بعدها به ترتیب مشاغلی نظیر معاون وزیر عدلیه، رئیس دارالتالیف، عضو مجلس شورای دولتی و وزیر انطباعات را بر عهده داشت. اعتمادالسلطنه با توجه به مشاغل و موقعیت هایی که داشت در سفر و حضر با ناصرالدین شاه دائم در تماس بود و از آنچه که در دربار می گذشت آگاهی داشت. مهمترین اثر او که در این پژوهش یاری رساند کتاب روزنامه خاطرات می باشد. در این کتاب محمدحسن خان به شرح دیده های خود در دربار پرداخته که در خلال آنها می توان ردپای دلکان در دربار را به خوبی مشاهده کرد.

یادداشت هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه تالیف دوستعلی خان ملقب به معیرالممالک، پسر حسینعلی خان معیر و داماد فتحعلیشاه و نوه ی دختری ناصرالدین شاه است که به جهت رفت و آمد به دربار به حضور دلکان در آنجا اشاره هایی کرده است.

سه سال در دربار ایران اثر دکتر فوریه می باشد. مولف از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ ه.ق پزشک مخصوص ناصرالدین شاه بود. نگاشته های وی در باب اواخر دوران ناصری است. او بیشتر وقت

خود را با شاه و درباریان سپری می کرد. نوشته های او در باب جشن آشپزان و اجراهای
دلکان قابل توجه است و اطلاعات سودمندی را در اختیار قرار می دهد.
خاطرات و خطرات نوشته مهدی قلی خان هدایت می باشد. او تنها کسی است که با اشاره به
سمت طرخانی دلکک ناخواسته از جایگاه او و قدرت و نفوذش در دربار پرده برمی دارد.

فصل دوم

نگاهی کلی به تاریخچه دلقک در دربار ایران

مدخل

متأسفانه آگاهی های ما از ایران باستان در هاله ای از ابهام قرار دارد و دانستنی های اندک و پراکنده ی ما درباره ی این دوران مدیون دست نوشته ها و حکاکی ها و نقاشی های روی دیوارها و صخره ها و ظروف به جای مانده از این دوران است. البته باید به این فهرست منابع خارجی را هم اضافه نمود. با وجود این مسائل، آثار و نوشته های تاریخی که ما را هرچه بیشتر به جزئیات امور آگاه کند در دست نیست.

اما برطبق تحقیقات انجام شده، تاریخ ایران باستان با ورود دسته ای بزرگ از اقوام آریایی در نیمه نخست هزاره ی دوم پیش از میلاد به فلات ایران آغاز می شود. این تازه واردان در بدو ورود با عدم استقبال بومیان مواجه شدند. اما پس از مدتی جنگ با آنها ماندند و آمیختند. پس از آمیزش مهاجران با اقوام بومی، آنها دائماً مورد هجوم همسایگان خود واقع می شدند که در اثر این حملات حاصل کار و فعالیتشان به یغما می رفت و سپس به تدریج برای مقابله با دشمنان مشترک گرد هم آمدند و در آغاز قرن هفتم پیش از میلاد دولت ماد را تأسیس کردند. بدین ترتیب با تأسیس این دولت در غرب ایران، نخستین قدرت پادشاهی معتبر به وجود آمد و ایران را وارد زندگی تاریخی کرد. پس از دولت ماد، هخامنشیان روی کار آمدند که باعث بسط قدرت و نفوذ ایرانیان در جهان آن روزگاران شدند سپس مدت کم و مبهمی سلوکی ها که از بازماندگان اسکندر مقدونی بودند که بر اریکه قدرت تکیه زدند. پس از سلوکی ها روزگار درازی اشکانیان پادشاهی کردند و بعد از اشکانیان این ساسانیان بودند که روی کار آمدند.

۲-۱- دلکان از آغاز تا سقوط ساسانیان

به طور دقیق و مسلم کسی نمی داند که دلکان از چه زمانی و تحت چه شرایطی کار خود را آغاز کردند. بنا بر گفته ابن ندیم: «اول کسی که با افسانه شب زنده داری کرد اسکندر بود. او گروهی داشت که وی را خندان می ساختند و افسانه ها برایش می گفتند و پس از او سایر پادشاهان این رویه را ادامه دادند.»^۱ اما با مشاهده ی رد پای دلکان در جشن ها و مراسم های شادی آور پیش از او می توان پیشنه ای بس طولانی تر را برای آنها رقم زد.

در حقیقت حضور دلکان در ایران باستان را باید در جشن ها و مراسم شادی آور و مناسبتی آن دوران جستجو کرد. می توان این جشن ها و مراسم شادی آور را به دو دسته تفکیک نمود: الف) جشن هایی که زائیده نگرش انسان آن روزها به عناصر طبیعت به جهت برکت خواهی از عناصر سودمندش و یا دور راندن عناصر مضر آن بر پا می شد. از جمله این جشن ها می توان به جشن **کوسه برنشین** اشاره کرد. این جشن به مناسبت گذشت زمستان و فرا رسیدن بهار بر پا می شد. محققانی چون ابوریحان بیرونی و عمادالدین زکریای قزوینی در مورد این جشن و چگونگی برپایی آن اشاراتی داشته اند. ابوریحان این گونه بیان می دارد که «آذر ماه به روزگار خسروان اول بهار بوده است و به نخستین روز از وی از بهر خان فردی پیامدی کوسه بر نشسته بر خری و به دست کلاغی گرفته و به باد بیزن خویشتن باد همی زدن و زمستان را وداع همی کردن و زمستان برای چیزی یافتن و به زمانه ما در شیراز همی کرده اند و ضربت پذیرفته از عامل تا هرچه ستاند از بامداد تا نیمروز به ضربت دهد و تا نماز دگر از بحر خویشتن را بستاند و اگر از پس نماز بیابندش سیلی خورد از هر کس»^۲. بنا به نظر عمارالدین زکریای قزوینی «در روز اول هرمز گویند که در این روز کوسج بر دراز گوشی برنشتن و او مضحکه بودی و طعام

^۱ - محمدبن اسحاق، ابن ندیم. (۱۳۸۱) الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر، ص ۵۴۰.

^۲ - ابوریحان محمدبن احمد، بیرونی خوارزمی، (۱۳۶۷) التفهیم الأوائل صناعة التنجیم، تصحیح جلال الدین همایی تهران: هما، ص ۲۵۶.

های گرم خوردی و خود را به داروهای گرم طلا کرده و مروحه اندر دست داشتی و باد می زدی و از گرما شکایت کردی و مردم او را به برف ترحم کردند و در میان بزرگان بگردیدی و از هر کس چیزی بستدی و اگر چیزی نداری با وی قدح بزرگ مرکبی بودی و در میان طنین و بعره آغشته بودی و جامه او را بدن ملطخ کردی».^۱

دلک با هجو و تمسخر تلخی و سرمای زمستان، دگرگونی هر چه زودتر طبیعت و رسیدن فصل بهار را به مردم نوید می داد. بدیهی است که این عمل او آنگونه که از شکل آن بر می آید صرفاً یک جشن شادی آور نیست بلکه نوعی انتقاد و ابراز خشم نسبت به بی رحمی های طبیعت است.

ب) جشن هایی که به دنبال یک واقعه تاریخی برای یادآوری و عبرت آموزی از آن واقعه بر پا می شد از جمله این جشن ها می توان به جشن مغ کشی و جشن تمسخر کراسوس اشاره کرد. جشن مغ کشی جشنی بود که ایرانیان هر ساله به یاد گنوماتای مغ _ بردیای دروغین _ برگزار می کردند. دلکان در این جشن با افشای ماجرای نیرنگ آمیز پادشاهی گنوماتا، او را می کشند و سپس به شادی و پایکوبی می پردازند.^۲

جشن دیگری که در زمان اشکانیان برگزار می شد جشن تمسخر کراسوس بود که به یاد شکست کراسوس رومی از سورنا سردار اشکانی برگزار می شد. در این جشن دلک در نقش کراسوس با لباسی زنانه و سوار بر اسب است که در پیشاپیش اش اسیران رومی و شیپور زنان در حرکت بودند و آوازخوانان و رقاصان نیز در پشت سرش خصلت های به دور از شجاعت او را تمسخر می کردند.^۳

^۱ - زکریا محمدبن محمود، المکمونی القزوينی، (بی سا) عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، تصحیح نصرالله سبوحی، تهران: ناصر خسرو، ص ۷۶.

^۲ - بهرام بیضایی، ص ۲۵.

^۳ - همان، ص ۲۹.